



فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده

www.jvfc.ir

دوره اول، شماره سوم، پیاپی (۳)، پاییز ۱۳۹۹

صفحه ۱۵-۳۰

تحلیل عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور پذیری زنان

حسین حاتمی نژاد، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،
نبی مرادپور، دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،
مصطفی صفائی رینه*، دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

چکیده

فضاهای شهری، به دلیل ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی شان، مهم ترین وسیله در جهت تقویت جامعه‌ی مدنی به عنوان عرصه‌ی مشارکت تمامی گروه‌ها اعم از زنان و مردان هستند. سرزندگی فضاهای شهری از اهمیت بالایی برخوددار است؛ چرا که این فضاهای محلی برای برقراری روابط اجتماعی هستند و بخش مهمی از تجربه زندگی شهریوندان را تشکیل می‌دهند. یکی از عواملی که بر سرزندگی فضاهای شهری آینده تأثیرگذار است حضور زنان در این گونه فضاهای است. هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور بانوان در این فضاهای است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی – تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان مرتبط با حوزه سرزندگی شهری و فضاهای شهری است که ۵۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPLS بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که شاخص‌های ایمنی و امنیت، دسترسی، تنوع و جذابیت، عدالت اجتماعی، کارآمدی فضا، کیفیت محیط، آسایش و راحتی، تعامل اجتماعی و حس مکان بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور فعال زنان موثر است. در بین شاخص‌های ذکر شده، کارآمدی فضا، تنوع و جذابیت و کیفیت محیط بیشترین تأثیر را بر حضور پذیری زنان در فضاهای شهری آینده دارند. الگوی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به عنوان یک مدل جهت سنجش سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور فعال بانوان در شهرهای کشور مورد استفاده قرار گیرد.

واژه گان کلیدی: سرزندگی، فضاهای شهری آینده، فضاهای سرزند، SPLS

زنان، کودکان و سالخوردگان و غیره جزو گروه های ویژه تلقی می شوند و متأسفانه همین تلقی ویژه از آنها باعث می شود به عنوان یک عضو اصلی و محوری به حساب نیایند. بنابراین به طور کلی همانگونه که فضاهای شهری می توانند با برنامه ریزی و طرح ریزی صحیح محل بروز و نمود فضایل انسانی باشند، از جهت دیگر نیز می توانند از طریق رهاسنگی و برنامه ریزی های نادرست و ساده انگارانه به مکان بروز انواع جرایم شهری تبدیل گردند. فضاهای بی دفاع شهری اصطلاح دیگری است که نیاز به تعریف دارد و اینگونه می توان گفت که عبارت است از «فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاهای قابلیت بیشتری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند» (مطلوب خراسانی، اسماعیلی، ۱۳۸۹).

ساخت وساز و برنامه ریزی های شهری نادرست استفاده اشار مختص جامعه از فضاهای شهری را تحت تاثیر قرار می دهد، به طوری که گاهی به خاطر نبود توجه کافی سالم‌مندان، معلولان، کودکان و زنان از زندگی مطلوب شهری محروم می مانند. در این میان زنان به سبب محدودیت های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور ایران عدمتا امکان بهره مندی از فضاهای شهری را ندارند. از سوی دیگر این فضاهای عموماً فضاهایی مردانه بوده و به سبب ویژگی های کالبدی خود امکان حضوری این را برای زنان را فراهم نمی سازند. در نتیجه عدم حضور زنان در فضاهای عمومی صرف نظر از کاهش پویایی و سرزنشگی شهرها، تحرک، شادابی و سلامت زنان شهری مورد آسیب قرار می گیرد. (رضایی، ۱۳۹۳).

با وجود اینکه زنان نیمی از جمعیت شهرها را تشکیل می دهند، در برنامه ریزی، طراحی و ساخت فضاهای شهری به نیاز این گروه چندان توجه نشده است. به طور کلی زنان به واسطه ویژگی های خاص شخصیتی و نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی داشته که مستلزم رعایت و تامین نیازهای آن ها در فضاهای شهری است (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۴) و در

۱. مقدمه

فضای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می باشند (لینچ، ۱۳۸۳: ۱۰۸). فضای شهری محلی برای برخورد های اجتماعی و برقراری روابط اجتماعی است. تجربه و درک استفاده از فضاهای شهری تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارند. سن، جنسیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و... از جمله عوامل موثر بر تجربه استفاده از فضای شهری است. فضاهای شهری باید عدالت را در دسترسی و تامین خدمات مورد نیاز استفاده کنندگان فراهم سازد. در واقع نباید فراموش کرد که همه استفاده کنندگان از فضا حق دارند از آن لذت ببرند، نیازهای اجتماعی خود را در آن برآورده ساخته و همچنین حس جمعی بودن را در محیط تجربه نمایند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸). زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان که باید بهره مند از حقوق شهریوندی به عنوان شهریوند کامل باشند، لازم است در فضای شهری حضور یابند و هم اکنون ضرورت حضور آنان از سوی همگان پذیرفته شده است. بنابراین باید شناخت و درک نیازهای زنان از یک طرف و ایجاد حقوق مدنی و قانونی در رابطه با حضور آنها در فضای شهری به عنوان مهمترین اصل در طراحی و برنامه ریزی فضاهای عمومی شهری فارغ از بی عدالتی های جنسیتی و فضاهایی برای لذت تمام گروه های استفاده کننده مورد توجه قرار گیرد (محمدی، ۱۳۸۸: ۶۹). زنان بر ارتباط با مردم و سایرین بیشتر از انجام وظایف تأکید دارند و برای آن ارزش قائل هستند. چنین تفاوت های جنسیتی در نگرش های آنها از این ایده نشأت می گیرد که ارتباط زنان با جهان نوعی از ارتباط و اتصال است در حالی که مردان بر جدایی روابط تأکید دارند (مویدی، ۱۳۹۳).

تقریباً بیشتر فضاهای شهری در کشور ایران به طور ناخودآگاه انجصاری شده اند. یعنی تقریباً ۷۰٪ از شهری استفاده کنندگان از فضا در حقیقت اکثراً مردان جوان تا میانسال و سالم‌مند فرض می شوند و قشر زیادی که می توانند به سرزنشگی فضاهای شهری کمک کنند، شامل

بالایی برخوردار است. به اعتقاد "الین" اگر مردم فضایی را به دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین می‌رود. از آنجا که ما فضای عمومی را بر اساس امکان دسترسی نامحدود آن و وجود تعاملات متقابل اجتماعی تعریف می‌کنیم، نیاز به حضور در فضاهای عمومی برای همه گروه‌ها ضروری است و حضور زنان به عنوان گروهی اجتماعی و بهره‌مند از حقوق شهروندی در فضاهای عمومی نیز لازم و ضروری است و ایجاد هرگونه محدودیت در استفاده زنان از این فضاهای می‌تواند مانع بر سر راه سرزندگی فضاهای شهری محسوب شود (ورشی، ۱۳۸۸).

بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری آینده در شهرهای ایران امری اجتناب‌پذیر است.

فضای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود (لينچ، ۱۳۸۳: ۱۰). فضای شهری بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرند و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با هم در این عرصه اتفاق می‌افتد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸، ۱۰۶). فضای شهری، عنصر اصلی ساخت شهر است که با قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مرتبط می‌شود (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۶۷).

۲-۲. فضای عمومی

اصطلاح فضای عمومی برای توصیف آن دسته از فضاهایی از شهر مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها و ساختمان‌های عمومی که برای عموم آزاد بوده و برای همه قابل دسترس است، بکار می‌رود. این اصطلاح در تقابل با فضای خصوصی که دسترسی به آن محدود شده است، تعریف می‌شود. فضاهای عمومی قسمت‌های از یک دهکده، شهرک یا شهر بیان شده که در دسترس عموم بوده؛ مردم به صورت رایگان می‌توانند از آن‌ها استفاده کرده و لذت بردن (جیبی و علیپور شجاعی، ۱۳۹۳: ۱۸). از نظر کوان، در فضاهای عمومی، تمامی زمین‌ها باید برای همه مردم آماده، آزاد

صورت عدم توانایی فضا در پاسخگویی به نیاز همه گروه‌های استفاده کننده، نمی‌توان ادعا کرد که فضای مورد نظر فضای عمومی و همه شمول است. فضای شهری سرزند و کارآمد، فضایی است که افراد با ویژگی‌های مختلف سنی و جنسی، بتوانند با حضور در این فضاهای خواسته‌های خود را محقق سازند و این فضای آرامش و آسایش را برای استفاده کنندگانش فرآهم آورد. از آنجا که زندگی روزمره در این فضاهای صورت می‌گیرد لذا مناسب بودن آن برای تمام گروه‌ها به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان اهمیت دارد، از این رو توجه به این افراد در یک فضای شهری اهمیت بسیاری دارد. با توجه به اهمیت مقوله فضا و سرزندگی آن و همچنین حضور زنان در فضاهای شهری پژوهش حاضر در پی این است که مولفه‌ها و شاخص‌های موثر بر سرزندگی فضاهای شهری برای حضور بانوان را شناسایی و سپس با ارزیابی این عوامل و شاخص‌ها میزان اهمیت و تاثیر هر شاخص در سرزندگی فضاهای شهری را مشخص کند تا در پایان یک چارچوب مفهومی از مقوله سرزندگی فضاهای شهری ارائه شود. این مدل ارائه شده به همراه شاخص‌های آن می‌تواند در پژوهش‌های آتی محققین مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ضرورت حضور پذیری زنان در فضاهای

شهری آینده

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، باید از حقوق حضور در فضا بهره مند شوند. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرتگرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه ریزی و طراحی شهری، زنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضای شهری برخوردار باشند. زنان در جامعه امروز ایران وارد عرصه‌های مختلف علمی، فنی، سیاسی ... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند (رضازاده، بی‌تای: ۱). زنان، تأثیر گذارترین قشر بر سلامت و شادابی جامعه می‌باشند. از این رو، توجه به حضور پذیری آنان در فضاهای شهری آینده از اهمیت

می کند (Rush, 2012: 9). در این زمینه پاول (۲۰۱۱) معتقد است که، زنان و مردان، فضای را به طور مشترک و عام و فضای عمومی را به طور خاص و متفاوت تجربه می کنند. وی این امر را تا حدودی ناشی از این می داند که ادراک و شناخت متفاوت شان از محیط که اساساً بر پایه هنجارهای اجتماعی - فرهنگی درگیر با آن، استوار است و اینکه آن ها در معرض دیدگاه های متفاوتی از مشروعيت های اجتماعی قرار دارند (Paul, 2011: 417). بر این اساس، فضاهای عمومی، معانی متعدد و متنوعی را با توجه به فعالیت های روزمره زنان و مردان به خود می گیرند (Garcia- Ramon: 2004). زنان همچون دیگر گروه های اجتماعی، با تداوم حضور در عرصه های عمومی و اجتماعی شهرها، شرایط سرزندگی، نشاط و پایداری هر چه بیشتر فضاهای شهری را فراهم می آورند. بنابراین یکی از مهم ترین دغدغه های طراحان امروز در خلق و ارتقا کیفیت عرصه های عمومی، رسیدن به نوعی از فضاهای جمعی است که بتواند تعادلی پایدار میان حضور اقشار مختلف اجتماعی، و مشارکت و فعالیت آن ها در عرصه های عمومی شهری برقرار نماید (سیفایی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۴-۲. تعریف مولفه ها و شاخص های موثر بر حضور پذیری زنان و سرزندگی فضاهای شهری آینده

ایمنی و امنیت: ایمنی و امنیت از شاخص های تعیین کننده برای ترغیب حضور پذیری زنان در شهر و فضاهای شهری می باشند. یک محیط امن به زنان اجازه می دهد به محیط و فضاهای شهری وارد شوند (Zakaria & Ujang, 2014).

زیبایی و جذابیت: پویا نمودن فضاهای شهری به ایجاد جنب و جوش در شهر کمک می نماید. این پویا بودن مسیرها و فضاهای از دیدهای متفاوتی مانند، پویا نمودن بصری، پویا بودن از نظر کاربری ها و فعالیت ها و غیره مطرح می شوند. (معینی، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

تعاملات اجتماعی: رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط

و به طور قانونی و ۲۴ ساعته قابل دسترس باشد. همچنین به بیان کاترین شانفیلد چون کل زمانی که در خارج از خانه یا محل کار هستیم زمان عمومی است، لذا همه ی مقدمه مکان هایی که زمان عمومی در آن می گذرد، مکان عمومی تلقی می شود (Cowan, 2005: 312). این فضاهای تمام بخش های بافت شهری را که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند شامل می شود. بدین ترتیب خیابان ها، پارک ها و میدان های شهری یا شهر، ساختمان هایی که آن ها را محصور کرده و محدوده شان را مشخص می کنند، بخشی از فضاهای عمومی محسوب می شوند (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۱۵).

۲-۳. زنان و فضاهای عمومی شهری

اهمیت فضاهای عمومی در زندگی ساکنان یک شهر از آن جهت است که استفاده از این فضاهای بخش مهمی از تجربه زندگی آنان در شهر را تشکیل می دهد؛ (بزی، رضایی، ۱۳۹۱: ۲۴). تجربه و درک استفاده از فضاهای شهری تحت تاثیر عوامل متعددی قرار دارند، سن، جنسیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و ... از جمله عوامل موثر بر تجربه استفاده از فضای شهری است (ضابطیان، خدائی، ۱۳۸۸: ۲). از آنجا که استفاده ای زنان از فضای عمومی و تجربه می آن ها، موضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است (Day, 2000: 1). نتایج نشان می دهد که زنان و مردان ادراک و استفاده های متفاوتی از فضاهای عمومی دارند (حبیبی و علی پور شجاعی، ۱۳۹۳) اگرچه فضاهای عمومی به منظور استفاده می عموم مردم فارغ از جن سیت، قوم و ... ایجاد می شوند، ولی زنان، دسترسی محدودتری نسبت به مردان به اینگونه فضاهای داشته و برای مردان و حتی در مواردی به طور کامل از فضاهایی که عموماً حضور آنها آزاد است، طرد می شوند (Brady, 2005: 158).

عوامل محدود کننده ای مانند خطر و ترس، از مهم ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده ای آنان را محدود می نماید (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۱). در نتیجه، زنان به واسطه ای وجود چنین مشکلاتی، دسترسی خود به فضای عمومی را محدود

(قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۷۴). هویت مکانی به ابعادی از شخص اشاره می کند که هویت شخصی فرد در ارتباط با محیط فیزیکی توسط الگوی پیچیده ای از ایده‌های آگاهانه و غیرآگاهانه، باورها، اولویت ها، احساسات، ارزش ها، اهداف، گرایش های رفتاری و مهارت های مرتبط با محیط را تعریف می کند (Proshunsky, 1978: 155) و نقش مهمی را در ادراک تغییرات محیطی و ادراک محیط های عمومی ایفا می کند. لذا هویت مکانی قوی و مثبت، ادراک منفی را از برخی مسایل محیطی کاهش داده و این موضوع به نوبه خود تأثیر جدی بر شکل گیری و افزایش احساس امنیت در محیط های شهری خواهد داشت. گوستاووسون نیز در مطالعه موضوع هویت مکانی، چهار عنصر «تمایز» (هدف مردم از استفاده از مکان)، «عزت نفس» (رضایت فردی برای تعلق در محیط فیزیکی و اجتماعی)، «اثربخشی» (عملکرد و نوع فعالیتی که در محیط فیزیکی انجام می شود) و «تدابو و پیوستگی» (آشنازی و تجربه شخصی فرد از محیط) را اساس شکل گیری این موضوع می داند (uzzell & Ross- Twigger, 1996).

دسترسی: قابلیت دسترسی، به توانایی رسیدن مطلوب به کالاهای خدمات، فعالیت ها و نقاط شهری بر می گردد (سیف الدینی و شورچه، ۱۳۹۳: ۶۲). اولین پیش شرط طراحی یک فضای خوب در شهر، امکان دسترسی به آن است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۰). فرانسیس (۱۹۸۹) سه نوع دسترسی را مورد شناسایی قرار داده است که عبارتند از:

الف) دسترسی فیزیکی به فضای شهری؛ در مقابل دسترسی، موانع دسترسی نیز بایستی مورد توجه باشند. مانند در و دروازه ها، دیوارها، نرده ها و تغییر سطح (مانع دسترسی معلومان).

ب) دسترسی اجتماع؛ همه طبقات و لایه های اجتماعی بایستی قادر به استفاده از فضا باشند. ممنوعیت استفاده از فضا برای لایه ها یا طبقاتی از اجتماع، نوعی اعمال محرومیت اجتماعی شمرده می شود و از مطلوبیت فضا می کاهد.

اجتماعی میان گروه و مکان خاص را در بر می گیرد. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳). فضاهای عمومی شهری محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی شان می باشد. این فضاهای در مقیاس همه شهر عمل کرده و می باشد پذیرای گروه های مختلفی از شهروندان باشد (پاکزاد، ۱۳۸۶).

حس مکان: تجربه های مثبت و واقعی و رخدادهایی خاص و خاطرات، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی تأثیر دارد (رضا زاده، ۱۳۸۰: ۶). البته تعلق و احساسات منبعث شده از آن، بعد اجتماعی و بعد کالبدی دارد که فرآیندهای اجتماعی و ذهنی در ایجاد احساس تعلق بیش از کیفیات کالبدی تأثیرگذار است. توجه به داشتن تصویر ذهنی کامل از پدیده فضایی به منزله ادراک منطقی آن و در صورت استمرار، موجب احساس این همانی، و این همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق پذیری و سازگاری با فضاست (زاد رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۵). بنابراین با تقویت احساس تعلق شهروندان نسبت به فضاهای عمومی شهری، آنان این فضا را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس، اضطراب یا خجالت از آن بهره برداری می نمایند.

عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی به طور کلی ایجاد یک جامعه عادلانه یا نهادی تعریف می شود که متکی بر اصول برابری و همبستگی و درک ارزش های حقوق بشر تلاش می کند و شان و منزلت هر انسان را به رسمیت می شناسد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

هویت مکان: هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی شکل گرفته و ایجاد می شود. همچنین بازتابی از وجود اجتماعی و فرهنگی مکان است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۵) و به ویژگی های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد؛ در حالی که «هویت مکانی»، احساسی در یک فرد یا جماعت است که به واسطه ارتباطشان با یک مکان برانگیخته می شود

طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل دهنده (طبيعت، فضای باز، زير ساختها، محيط ساخته شده، امكانيات و منابع محيط طبیعی) هر کدام دارای ویژگی های خاص خود و كييفيت ذسيبي ه استند (Van Kamp et. al, 2003: 7). كييفيت محيط شهری جنبه اي از كييفيت زندگی است که در بر گيرنده ادساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل كالبدی - فضایي، اجتماعي - اقتصادي، زيست محطي و سمبليک محيط زندگی شان است (رفعيان و عسگري، ۱۳۸۶: ۹). در جدول شماره (۱) مهم ترین تعريفات موجود در اين زمينه ارائه گردیده است.

ج) دسترسی بصری؛ امكان دیده شدن فضا برای دسترسی بصری مطرح شده است (عباس زادگان، ۷۷: ۱۳۸۴).

راحتي و آسایش: فاصله و زمان، عوامل مهمي در اندازه گيري ميزان آسایش و راحتی انسان ها به شمار می آيد، چرا که بر اثر تامين آنها سهولت دسترسی به خدمات شهری که يکی از اهداف مهم برنامه ریزی شهری است ميسر می شود (پورمحمدی، ۹۳: ۱۳۸۷).

كىيفيت محيط: كىيفيت محيط ناشى از كييفيت عناصر تشکيل دهنده يك منطقه اما چيزى بيشتر از مجموع عناصر آن است، كىيفيت محيط ادراك مكان به

جدول ۱. تعريف كييفيت محيط از ديدگاه محققان و مجتمع بين المللی

محقق	تعريف
Lansing and Marans (1969)	يك محيط با كييفيت بالا حسى از رفاه و رضایت را برای افراد از طریق شاخصهای که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد به همراه دارد.
Porteous (1971)	كىيفيت محيطی موضوع پيچيده‌ای است که در بردارنده ادراك انتزاعی، طرز تلقی و ارزش‌های است که در بین گروه‌ها و افراد متفاوت است
Campell and et al, (1976)	كىيفيت محيط سکونتی عبارت است از نمایش عددی شاخصهای عینی و انتزاعی سکونت که از تفريقي عددی در بردارنده اهمیت يك خانه ايده ال از عددی که شرایط فعلی خانه را نمایش می دهد، بدست می آيد. ارزیابی شاخصهای سکونتی از فردی به فرد دیگر متفاوت است زیرا افراد مختلف پاسخهای متفاوتی از مقایسه بر مبنای درک واقعیت به بار می آورند.
RMB (1996)	كىيفيت محيطی ناشی از كىيفيت عناصر تشکيل دهنده يك منطقه اما چيزى بيشتر از مجموع عناصر است، كىيفيت محيطی ادراك مكان به طور تمام و کمال است. عناصر تشکيل دهنده (طبيعت، فضای باز، زير ساختها، محيط ساخته شده، امكانيات و منابع محيط طبیعی) هر کدام دارای ویژگیهای خاص خود و كييفيت ذسيبي ه استند.
RIVM(2002)	كىيفيت محيطی می تواند به عنوان بخش اصلی مفهوم وسیعتر "كىيفيت زندگی" همانند كىيفيت- های اصلی مانند سلامتی و امنیت در ترکیب با جنبه های همچون راحتی و جذابیت تعريف شود.

Reference: Van Kamp and et al, 2003: 7. Ha, 1989: 5.

به هدف های تعیین شده و مشخص (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) به طور کلی می توان گفت که هر اندازه مکان ها و فضاهای شهری، رضایت شهروندان و مجموعه کسانی را که با آن ها ارتباط دارند یا به آن مراجعه می کنند؛ جلب کنند کارآمد تلقی خواهد شد.

كارآمدی فضا: اصطلاح "كارآمدی" بيشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. و در حوزه برنامه ریزی شهری اين اصطلاح به اثربخشی، پاسخگوبي، كفایت، قابلیت، كارایی و ... معنا می شود. در تعريفی دیگر کارآمدی با کارآیی متراff گرفته شده و اين گونه تعريف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن

آن کم بوده است محققان به حجم نمونه ۵۰ نفر بسنده کرده اند. با توجه به اهداف تحقیق و بیان مسئله مطرح شده معیارها و شاخصهای سرزندگی فضاهای شهری آینده برای حضور زنان از مبانی نظری و ادبیات پژوهش استخراج شد که عبارتند از: ایمنی و امنیت، دسترسی، تنوع و جذابیت، عدالت اجتماعی، کارآمدی فضا، کیفیت محیط، آسایش و راحتی، تعامل اجتماعی، هویت و حس مکان (جدول ۲). ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بوده است که روایی آن توسط پانل متخصصان و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ تأیید شده است. به منظور بررسی عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری آینده جهت حضور بانوان، ۳۴ گویه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع ۳۴ گویه به پاسخ‌دهندگان ارائه شد تا آن‌ها را بر اساس میزان اهمیتی که بر سرزندگی فضاهای شهری آینده دارند، بین یک تا پنج امتیازدهی کنند. این گویه‌ها در چارچوب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای اندازه‌گیری شده است. نمره یک، معرف کمترین اهمیت و نمره پنج، معرف بیشترین اهمیت بوده است. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار smart PLS استفاده شده است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، تو صیفی – تحلیلی است. بخشی از این تحقیق که مربوط به ادبیات موضوع است به روش توصیفی و بخش دیگر آن که مربوط به فعالیت‌های میدانی تحقیق است، به روش تحلیلی – پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان مرتبط با حوزه سرزندگی شهری و فضاهای شهری است. روش نمونه گیری در این تحقیق نمونه گیری هدفمند، نظری یا قضاوی بود است. ملاک انتخاب و گزینش در نو نه گیری هدفمند، بر پا یه داوری و تخصص پژوهشگر است. در این روش با انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس خصوصیات یا صفاتی خاص، افرادی را که واجد آن ملاک نیستند، حذف می‌شوند (دلاور، ۱۳۹۹). اندازه حجم نمونه تحقیق به نوع طرح، روش طرح، پیچیدگی طرح، محدودیت‌های زمانی، محدودیت‌های مالی و تحقیقات قلی در آن زمینه بستگی دارد (دلاور، ۱۳۹۹). به دلیل اینکه حجم جامعه در این تحقیق همگون بوده و به عبارت دیگر واریانس

جدول ۲. مولفه‌ها و شاخصهای یک محیط سرزندگی برای حضور زنان در فضاهای شهری

شاخص	معیار
روشنایی مناسب فضا در شب	
رعایت هنجارهای اجتماعی و حفظ حریم شخصی در فضا	ایمنی و امنیت
میزان جرم و جناحت در فضا	
احساس ایمنی در هنگام حرکت (در مقابل گاری دستی، موتور، کالسکه و...)	
وجود دید و نظارت مناسب (از طرف ساکنین و کسبه)	
دسترسی آسان به حمل و نقل عمومی (تاكسی، اتوبوس، مترو)	
دسترسی به پارک و فضای سبز عمومی	دسترسی
دسترسی به مراکز خرید و فروشگاهها	
دسترسی به امکانات بهداشتی - درمانی، رفاهی و تفریحی	
تنوع در چیدمان، نما (رنگ، مصالح) و کالبد (فرم) ساختمان‌ها در فضا	
طراحی و وجود مکان‌های فرهنگی و هنری در فضا	تنوع و جذابیت
وجود و تنوع در ارائه خدمات تجاری و تفریحی مانند خرده‌فروشی، رستوران و کافه تریا	
وجود دستفروشان و هنرمندان دوره‌گرد در محیط	

دسترسی برابر به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی	
حاکمیت قانون برای همه	
برخورداری عادلانه از امنیت در مقابل تهدیدات فیزیکی، روحی و روانی	عدالت اجتماعی
برخورداری همه قومیت‌ها از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در فضاهای شهری	
سرانه مناسب کاربری‌های شهری مناسب با میزان تراکم جمعیت	
وجود و تنوع فعالیت‌ها در ۲۴ ساعت	
پاسخگویی فضا به تمامی نیازهای افراد	
مقرنون به صرفه و قابل استطاعت برای تمام گروه‌های درآمدی	کارآمدی فضا
فعالیت‌های ارائه شده برای تمام سنین	
برخورداری از فضای مناسب برای نشستن و استراحت	
برخورداری از فضای سبز مطلوب و چشم اندازهای متنوع	
خوانایی و وجود علائم راهنمایی	کیفیت محیط
بهداشت محیط (آلوگی هوا، صوتی، نوری و...)	
شناسایی آسان محیط و برقراری ارتباط با آن	
راحتی جهت عبور معلولان و کهنسالان	
حافظت در برابر شرایط نامناسب جوی (سایبان، حفاظها، فضای سرپوشیده)	آسایش و راحتی
وجود امکانات رفاهی و خدماتی (مکان برای نشستن، روشنایی، سرویس بهداشتی)	
وجود فضاهای جمعی سرزنشده جهت ملاقات و گذران اوقات فراغت	
مشارکت و همکاری مردم در اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها	تعامل اجتماعی،
خود را به عنوان بخشی از فضا تلقی کردن و احساس اتصال به محیط و برقراری ارتباط	هویت و حس مکان
حفظ و تقویت نقاط شاخص و خاطره‌انگیز در فضاهای شهری	

بین متغیرهایی است، از این روش استفاده می‌شود. مدل یابی معادلات ساختاری مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون(مشاهده نشده) و متغیرهای آشکار(مشاهده شده) است. به عبارت دیگر مدل یابی معادلات ساختاری تکیک آماری قدرتمدی است که مدل اندازه گیری (تحلیل عاملی تاییدی) و مدل ساختاری (رگرسیون یا تحلیل مسیر) را با یک آزمون آماری همزمان ترکیب می‌کند. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی را رد یا انتباق آنها را با داده‌ها تایید کنند (کفash پور و هم کاران، ۱۳۹۰). در روش مدل سازی معادلات ساختاری ابتدا به ساکن لازم است تا پایایی سازه‌ها، مورد مطالعه قرار بگیرد. در شکل ۱ مقادیر بار عاملی برای نشانگرهای هر سازه آورده شده است.

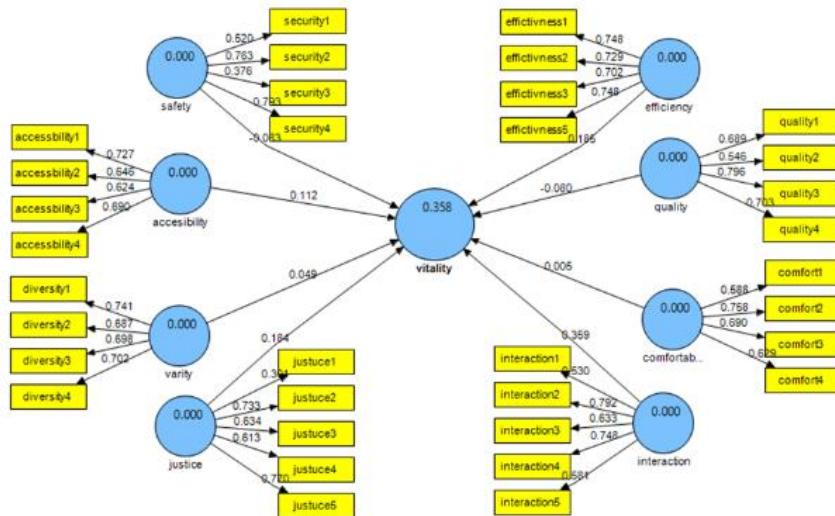
۴. یافته‌های تحقیق

۱-۴. تحلیل عاملی مدل پژوهش

پر س شناسه پژوهش شامل ۳۶ سوال می‌باشد که به عنوان متغیرهای آشکار(نشانگرهای) در نظر گرفته می‌شوند، همچنین مدل دارای دو سطح متغیر مکنون (پنهان) می‌باشد که در سطح اول متغیر سرزنشده فضاهای شهری می‌باشد. در سطح دوم مدل ۸ متغیر مکنون که عوامل موثر بر سرزنشگی فضاهای شهری جهت حضور فعال زنان می‌باشند، به ترتیب زیر وجود دارد:

۲-۴. مدل ساختاری با PSL

برای تحلیل و سنجش مدل این پژوهش از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. در پژوهش‌هایی که هدف آزمون مدلی خاص از رابطه



شکل ۱. الگوهای اندازه گیری مدل پژوهش (بار عاملی)

رو پایی سازه که برای بررسی دقیق و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه ها انجام شد نشان می دهد ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل پژوهش فراهم می آورند.

در صورتی که نشانگرهای سازه های مورد مطالعه دارای بار عاملی کمتر از 0.35 باشند از اهمیت لازم برای اندازه گیری برخوردار نیستند و از این رو بایستی از فرآیند تحلیل کنار گذاشته شوند و باقی نشانگرها در فرآیند تحلیل وارد می شوند. در مدل پژوهش بار عاملی تمام متغیرهای آشکار بیشتر از مقدار 0.6 است از این

جدول ۳. نتایج کلی از تجزیه و تحلیل مدل پژوهش

شاخص	تعداد سؤالات	پایایی ترکیبی (CR)	پایایی ترکیبی (AVE) میانگین واریانس استخراج شده (CR)
ایمنی و امنیت	۵	۰,۷۸۲	۰,۴۸
دسترسی	۴	۰,۸۰۸	۰,۷۳۲
تنوع و جذابیت	۴	۰,۸۰۰	۰,۵۰۲
عدالت اجتماعی	۵	۰,۷۸۶	۰,۵۶۴
کارآمدی فضا	۴	۰,۸۰۶	۰,۵۸۲
کیفیت محیط	۴	۰,۷۹	۰,۵۵۸
آسایش و راحتی	۴	۰,۸۳۴	۰,۵۰۲
تعامل اجتماعی و حس مکان	۴	۰,۷۸۶	۰,۵۶۴
سرزندگی فضا برای حضور بانوان	۳۴	۰,۸۰۶	۰,۵۸۲

نشانگر اعتبار مناسب ابزار اندازه‌گیری می‌باشد. البته مقادیر AVE اصولاً باید از مقدار ۰/۵ بیشتر باشد که نشانگر اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری باشد ولی تفاوت اندک ۰/۰۵ قابل اغماض می‌باشد (داوری و همکاران، ۱۳۹۲).

۱-۲-۴. روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری

برای بررسی روایی تشخیصی استفاده از ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده است. برای این منظور باید ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده از سایر همبستگی‌های سازه‌های دیگر با این سازه بیشتر باشد. این موضوع در جدول ۴ ذکر شده است. نتایج بررسی روایی تشخیصی نشان می‌دهد تمام سازه‌ها به خوبی از هم تفکیک شده‌اند.

برای بررسی اعتبار مرکب هر یک از سازه‌ها همانطور که ذکر شد از ضریب دیلون - گلداشتین استفاده می‌شود که در نرم افزار PLS با علامت CR مشخص می‌شود. در روش شناسی مدل معادلات ساختاری ضریب پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ برای هر سازه نشان دهنده پایایی مناسب آن می‌باشد. مقادیر این ضریب در جدول بالا م شخص گردیده است که در تمام موارد بیشتر از ۰/۷ می‌باشد. بنابراین سازه‌ها از پایایی ترکیبی مناسبی برخوردارند.

مقادیر میانگین واریانس استخراج شده AVE مربوط به سازه‌ها نیز در جدول ۳ گزارش شده اند که با آن می‌توان ملاک سوم همسانی درونی سازه‌ها را بررسی کرد. در جدول ۳ این مقادیر از ۰/۴۵ بیشتر است که

جدول ۴. بررسی مقادیر ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی‌ها

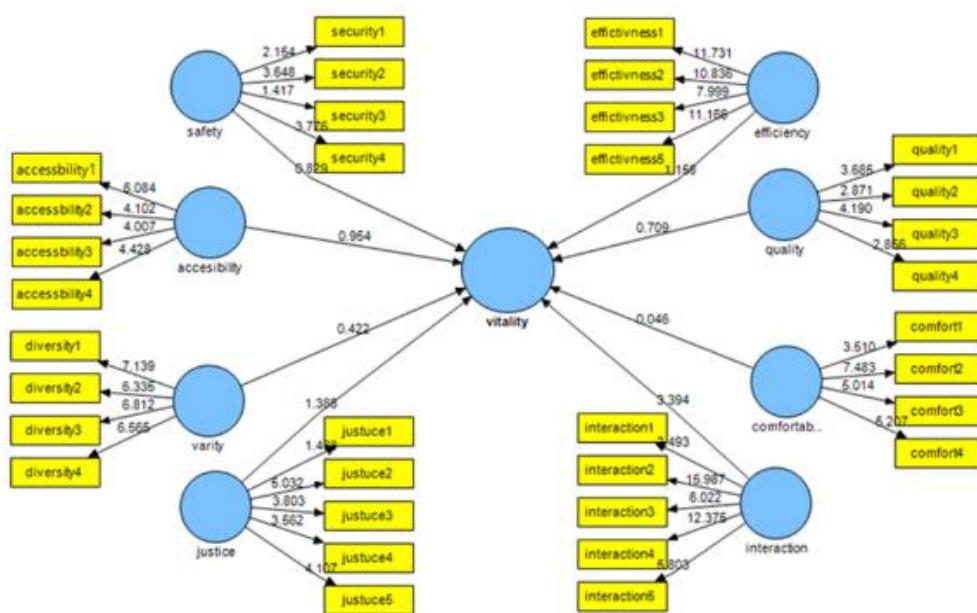
متغیر	ایمنی و امنیت	دسترسی	تنوع و جذابیت	عدالت اجتماعی	کارآمدی فضا	کیفیت محیط	آسایش و راحتی	تعامل اجتماعی و حس مکان
ایمنی و امنیت	۰/۷۵۸	۰/۱۱۲	۰/۷۵۲	۰/۶۲۷	۰/۸۸۴	۰/۸۶۸	۰/۶۴۷	۰/۸۸۴
دسترسی								
تنوع و جذابیت	۰/۲۲۳	۰/۱۸۸	۰/۶۲۷					
عدالت اجتماعی	۰/۲۲۷	۰/۲۷۱		۰/۲۰۰				
کارآمدی فضا	۰/۱۷۱	۰/۲۷۰			۰/۱۲۲			
کیفیت محیط	۰/۱۴۱	۰/۲۶۴				۰/۴۳۸		
آسایش و راحتی	۰/۳۶۴	۰/۱۹۳					۰/۴۶۳	
تعامل اجتماعی و حس مکان	۰/۴۲۶	۰/۱۴۱						۰/۳۹۳

آزمون می-کند و چون مقدار t این سطح اطمینان برابر با $1/96$ است، پس هر کدام از روابط که مقدار t برای آن خارج از بازه $-1/96$ تا $+1/96$ باشد از لحاظ آماری در سطح اطمینان 95% مورد تایید است. همان گونه که در مدل نشان داده شده، تنها دو گویه از مدل مورد قبول نیست و مقدار t آنها خارج از بازه $1/96$ م شخص شده نمی باشد(گویه اول عدالت اجتماعی و گویه سوم شاخص ایمنی و امنیت).

۳-۴. برآذش مدل ساختاری پژوهش

۳-۴-۱. ضرایب معناداری

در این قسمت باید تمامی جهت های نشان داده شده در مدل (فرضیه ها) و روابط بین سازه ها با هم و یا روابط بین هر سازه با متغیرهای آشکار مربوط به خودش از لحاظ آماری معنی دار شوند. نرم افزار PLS بصورت پیش فرض روابط را در سطح اطمینان 95%



شکل ۲. ضرایب معناداری Z در مدل ساختاری

۳-۴-۲. معیار Redundancy

این معیار، از حاصل ضرب مقادیر اشتراکی سازه های درونزا در مقدار R^2 آنها بدست می آید و نشانگر مقدار تغییر پذیری شاخص های یک سازه ای درونزا است که از یک یا چند سازه ای بروز تاثیر می پذیرد. یک معیار مناسب برای سنجش برآذش ساختاری مدل های معادلات ساختاری، مقدار میانگین Redundancy های مربوط به سازه های درونزا در مدل است. این معیار که با Red نشان داده می شود، از میانگین مقادیر Redundancy های مربوط به سازه های درونزا در مدل حاصل می شود. هرچه این مقدار به عدد ۱ نزدیک

۳-۴-۳. معیار R^2 یا R Squares

این مقدار برای تمامی سازه های درونزا (وابسته) مدل باید حساب شود که بیانگر مقدار واریانس تفسیر شدهی هر سازه، تو سط سازه هایی که بر آن تاثیر می گذارند، است. سه مقدار 0.19 ، 0.33 و 0.67 را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی شده است. با توجه به مقدار R^2 برای سازه سرزندگی فضای شهری 0.726 است، نشان دهندهی این است که مدل ساختاری پژوهش با یک سازه درونزا خیلی قوی از نظر معیار R^2 در مجموع دارای برآذش قابل قبول است.

تر باشد، نشان از برازش مناسب بخش ساختاری مدل در تحقیق دارد.

جدول ۵. مربوط به مقادیر Communality سازه درونزایی مدل

سازه‌ی درونزا	Communality
سرزنگی فضای شهری برای حضور بانوان	۰/۷۳۱

$$\text{Redundancy vitality} = \text{Communality vitality} \times R^2_{\text{vitality}} = 0.731 \times 0.726 = 0.503$$

همانگونه که محسنه شد مقدار GOF برابر با ۰/۶۰۴ است که مقدار مناسبی است و نشان از برازش خوب مدل ساختاری دارد، در نتیجه برازش کلی مدل نیز تایید می‌شود. همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش از مقدار مناسبی برخوردار می‌باشند. در این میان مهم ترین شاخص برازش در کار با نرم افزار PLS یعنی شاخص نیکویی برازش (GOF) از مقدار مناسبی برخوردار است که نشان از برازش خوب مدل مفهومی پژوهش است. البته لازم به ذکر است که سایر شاخص‌های نیز از برازش مناسبی برخوردار هستند.

۴-۳-۴. معیار برازش کلی (GOF)

در نهایت، بعد از محاسبه همه معیارهای برازش مدل‌های اندازه گیری و مدل ساختاری تحقیق باید برازش کلی مدل محسنه شود. این معیار که با GOF نشان داده می‌شود، عددی بین صفر تا یک است و هرقدر به یک نزدیک تر باشد، حکایت از برازش کلی بالاتر مدل دارد. معیار GOF از جذر حاصل‌ضرب مقادیر میانگین ضریب تعدیل و میانگین مقادیر Redundancy برای سازه‌های درونزایی مدل بدست می‌آید. فرمول این معیار و محاسبات مربوط به آن در ادامه نشان داده شده است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل

مقادیر به دست آمده	دانمه قابل پذیرش	شاخص برازنگی
۰/۷۲	ضعیف = ۰/۱۹	
	متوسط = ۰/۳۳	R2 R Squares
	خوب = ۰/۶۷	
۰/۵۰۳	بیشتر از ۰/۴	Redundancy
۰/۶۰۴	بیشتر از ۰/۵	GOF

رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در ارتباط با اهمیت شاخص کارآمدی فضا و تنوع و جذابیت می‌توان گفت که فضاهایی که کارایی لازم را نداشته باشند یا میزان تنوع و جذابیت فعالیت‌های که عرضه می‌کنند پایین باشند از استقبال عمومی برخوردار نخواهد شد حتی اگر فاصله تا این فضاهای کمتر از ۵۰۰ متر باشد.

۵. اهمیت شاخص‌های موثر بر حضور پذیری زنان در فضاهای شهری آینده

برای حضور پذیری زنان در فضاهای شهری آینده از ۸ شاخص استفاده شده است. برای سنجش میزان اهمیت هر کدام از شاخص‌ها در حضور پذیری زنان در فضاهای شهری آینده بار عاملی آن‌ها محاسبه شده است که در این بین شاخص کارآمدی فضا بیشترین اهمیت و سپس شاخص‌های تنوع و جذابیت، کیفیت محیط آسایش و راحتی، دسترسی، تعامل اجتماعی و حسن مکان، عدالت اجتماعی و در نهایت ایمنی و امنیت در

مکان با امتیاز ۰/۳۵۹ بیشترین بار عاملی را دارد، همچنین تمام سازه‌های این شاخص دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵ هستند. علاوه بر این میانگین واریانس استخراج شده نیز برای تمامی شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ بوده است که این امر نشان دهنده آن است که سازه‌ها از همسانی درونی خوبی برخوردار بوده اند؛ در این بین شاخص دسترسی با میانگین ۰/۷۳۲ بالاترین همسانی درونی و شاخص‌های ایمنی و امنیت با میانگین ۰/۴۸ پایین‌ترین همسانی درونی را کسب کرده اند. معیار پایین ترین همسانی درونی را کسب کرده اند. معیار Redundancy مدل نیز ۰/۷۳۱ است و با توجه به اینکه هر چه این عدد به یک نزدیک تر باشد برآش مدل بهتر است پس می‌توان گفت که مدل پژوهش قابل قبول است. در انتهای معیار برآش کلی هم مورد محاسبه قرار گرفت که ۰/۶۰۴ بدست آمده است. پس از تایید مدل و برآش آن، میزان اهمیت هر یک از شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده محاسبه شده که نتایج بیانگر آن است که شاخص‌های کارآمدی فضا، تنوع و جذابیت و کیفیت محیط بیشترین اهمیت و سپس شاخص‌های آسایش و راحتی، دسترسی، تعامل اجتماعی و حس مکان، عدالت اجتماعی و در نهایت ایمنی و امنیت در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. مناسب سازی فضاهای عمومی شهری از جهت کالبد و جان فضا برای فراهم سازی زمینه‌های حضور زنان با تأکید بر چهار ویژگی مطلوبیت دسترسی، آسایش، استفاده و فعالیت‌ها و همچنین اجتماعی بودن صورت می‌گیرد. زنان در انتخاب فضاهای مورد استفاده بسیار نکته سنج و سختگیر بوده و به ویژه بر جنبه‌های امنیتی حضور در فضا متمرکز می‌شوند. بنابراین لازم است در هنگام برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری آینده به نیازهای همه گروه‌ها سنی و جنسی توجه شود و معیارها و شاخص‌هایی که تضمین کننده شکل گیری فضایی با کیفیت مطلوب و سرزند هستند شناسایی و در برنامه‌ریزی و طراحی فضا به کار گرفته شوند. طراحی فضا به گونه‌ای که تامین کننده دید کافی بوده و نیز حضور افراد را تشویق نماید، می‌تواند راهکاری مناسب در برنامه‌ریزی شهری محسوب گردد. راهکار

جدول ۷. میزان اهمیت شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده

شاخص	وزن	رتیه
ایمنی و امنیت	۰/۶۱	۷
دسترسی	۰/۶۲	۴
تنوع و جذابیت	۰/۷۱	۲
عدالت اجتماعی	۰/۶۳	۶
کارآمدی فضا	۰/۷۳	۱
کیفیت محیط	۰/۶۸	۳
آسایش و راحتی	۰/۶۷	۴
تعامل اجتماعی و حس مکان	۰/۶۶	۵
سرزندگی فضا برای حضور بانوان	۰/۶۷	



شکل ۳. میزان اهمیت شاخص‌های سرزندگی برای حضورپذیری زنان در فضاهای شهری آینده

۶. نتیجه گیری

اهمیت فضاهای عمومی در زندگی ساکنان یک شهر از آن جهت است که استفاده از این فضاهای بخش مهمی از تجربه زندگی آنان در شهر را تشکیل می‌دهد. از آنجا که استفاده زنان از فضاهای عمومی و تجربه آن‌ها مو ضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است به همین منظور در این پژوهش به حضور فعال زنان در فضاهای شهری آینده و عوامل ایجاد کننده محیطی سرزنده در فضای شهر برای حضور بانوان پرداخته شد و معیارها و شاخص‌های سرزندگی فضاهای از منابع اسنادی و مصاحبه با خبرگان شناسایی و مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شاخص حس

۷. داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل-*PLS* سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. دلاور، علی (۱۳۹۹)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش.
۹. رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صص ۱۱۰۵-۱۱۴.
۱۰. رضازاده، راضیه (۱۳۸۰). بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداریها، سال دوم، شماره بیست و سوم.
۱۱. رضایی، سولماز (۱۳۹۳). مطلوب سازی فضاهای شهری برای حضور بانوان، منتشر شده گروه مدیریت شهری شهر آنلاین. <http://www.shoraonline.ir/News/12408.html>
۱۲. رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۸۶). مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
۱۳. زاد رفیعی، ناصر (۱۳۸۴). فرآیند اجتماعی فضایی هویت شهر، مجله آبادی، سال پانزدهم، شماره چهل و هشتم.
۱۴. سیف الدینی، فرانک؛ شورچه، محمود (۱۳۹۳). برنامه ریزی هوشمندانه کاربری زمین و حمل و نقل شهری (نگاهی دیالکتیکی و یکپارچه به فضای شهر)، انتشارات مدیران امروز.
۱۵. سیفایی، مهسا، (۱۳۸۴). مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در برنامه‌ریزی مشارکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنمای: دکتر مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس
- دیگری که به ویژه در کشور ما مورد توجه قرار دارد، طراحی فضاهای شهری صرفا برای استفاده زنان است که در حال حاضر عموماً به شکل بستان نمود یافته است برای نمونه می‌توان به نخستین بستان ویژه بانوان در شهر تهران (بستان بهشت مادران در منطقه ۳ شهرداری تهران) که با هدف برطرف نمودن نیازهای حقیقی زنان (منطبق بر ارزش‌های دینی، اسلامی و فرهنگ بومی و ملی همراه با امنیت روانی، اجتماعی و فیزیکی آنان) و ایجاد فرصت‌های تفریحی، ورزشی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و تامین سلامت جسمانی و روانی، پر نمودن اوقات فراغت بانوان و همچنین ارتقاء و بهینه سازی کیفیت زندگی فردی و خانوادگی از طریق شرکت در فضاهای جمعی و گروهی در سال ۱۳۸۷ به بهره برداری رسیده اشاره کرد.
- ## ۷. منابع
- بخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
 - بزی، خدارحم؛ رضایی، بیت الله، (۱۳۹۱)، بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت در شهر زابل، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره پنجم، دانشگاه گلستان.
 - پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
 - پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات سمت.
 - تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷)، شهرسازی شهروندگار: ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری، ترجمه‌ی محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان.
 - حبیبی، میترا، (۱۳۹۱)، کیفیت و تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تاثیر آن بر حضور زنان با تأکید بر شهر تهران، کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری، شهرداری تهران، تهران.

۲۵. مدنی پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضاهای شهری-نگرشی به فرایند اجتماعی و مکانی، مترجم، فرهاد مرتضایی، چاپ دوم. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۶. معینی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰). شهرهای پیاده‌مدد، انتشارات آذرخش.
۲۷. موسوی، میرنجف؛ مدیری، مهدی (۱۳۹۴). اولویت سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی- ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه متعادل در ایران، فصلنامه علمی پژوهش اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۴، شماره ۹۵.
۲۸. مویدی، محمد (۱۳۹۰). نقش فضاهای عمومی شهری در ارتقای سطح حضور پذیری زنان در محیط‌های شهری به منظور جلوگیری از ایجاد فضاهای تک جنسیتی، همایش زن معماری و شهر.
۲۹. مویدی، محمد؛ علی نژاد، منوچهر؛ نوابی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۵۹ الی ۱۹۱.
۳۰. ورشوی، سمیه (۱۳۸۸). امنیت زنان در فضای شهری، دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری مشهد.
31. Brady, M. (2003). Safe spaces for adolescent girls. In *Adolescent and Youth Sexual and Reprod Health: Charting Directions for a Second Generation of Programming—Background Document for the Meeting* (pp. 155-176).
32. Cowan, Robert (2005). *The Dictionary of Urbanism*, Streetwise press.
33. Day, Kristen (2000). The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, *Journal of Environmental Psychology*, No 20, pp 103-124.
34. Farrell, A. M., & Rudd, J. M. (2009). Factor analysis and discriminant
۱۶. ضابطیان، الهام؛ خدایی، زهرا، (۱۳۸۸). رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره سوم
۱۷. طالبی، زاله (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری، دو فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲۴.
۱۸. عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۴). ابعاد اجتماعی - روانشناسی فضاهای شهری، نشریه بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید (فارسی) (نشریه بین المللی علوم مهندسی)، دوره ۱۶، شماره ۱ (ویژه نامه معماری و شهرسازی).
۱۹. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی، تهران، انتشارات روزنه.
۲۰. کفashپور، آذر؛ فیض محمدی، شیرین. (۱۳۹۰). بررسی اثر تمایز و پرستیز برند بر وفاداری مشتری به واسطه هویت‌یابی مشتری با برند (مورد مطالعه: مشتریان نمایندگی‌های تویوتا)، تحقیقات بازاریابی نوین، ۱۶(۳): ۱-۱۶.
۲۱. کلانتری، علی (۱۳۸۲). مبانی نظری و عملی آمار در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
۲۲. لینچ، کوین (۱۳۸۳). سیمای شهر. مترجم، منوچهر مزینی، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. محمدی، مریم (۱۳۸۷). عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان- نمونه موردی فضای محله ای چیذر، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۴. محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی تأثیر الگوهای رفتاری بر میزان حضور و فعالیت در فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان، مجله آبادی، شماره ۶۳، ص ۶۸-۷۳.

validity: A brief review of some practical issues. Anzmac.

35. Garcia-Ramon, Maria Dolor's; Ortiz, Anna; Prats, Maria (2004). Urban planning, gender and the use of public space in a peripheral's neighborhoods of Barcelona, *Cities*, Vol. 21, No. 3, pp 215–223.
36. Ha, Mikyoung (1989). The determinants of residential environmental qualities and satisfaction: Toward developing residential quality indices, *PhD-Thesis*, Oklahoma State University.
37. Juriah Zakaria and Norsidah Ujang, (2014). Comfort of Walking in the City Center of Kuala Lumpur, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170 (2015) 642 – 652.
38. Kaltenborn, B.P. (1998). Effects of sense of place on responses to environmental impact: a case study among residents in an Arctic community, *Applied Geography*, 18(2): 169-189.
39. Paul, Tanusree (2011). Space, Gender, and Fear of Crime: Some Explorations from Kolkata, *Gender, Technology and Development*, Vol15, No 3, pp 411–435.
40. Proshunsky, M.H, (1978). The city and self – identity. *Environment Behavior*. 10. 147-169.
41. Rush, L. M. (2012). An autoethnography of Fuencarral 43: Women in masculine public space. *Journal for Undergraduate Ethnography*, 2(1), 15-27.
42. Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity processes. *Journal of environmental psychology*, 16(3), 205-220.
43. Van Kamp, Irene and et al (2003). Urban environmental quality and human well-being toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study, *Landscape and Urban Planning*, 65, pp. 5-18.